

یادداشت

چرا اتحادیه اروپا در خواست پمپئو وارد کرد، اما جرمی هانت پذیرفت؟

اولین نتیجه برگزیت برای ایران



روح‌الله نخعی روزنامه‌نگار

چند روز پیش وقتی مایک پمپئو برنامه‌های سفرهایش را تغییر داد تا به بروکسل برود و دیدارهایش با مقامات اروپایی و اتحادیه اروپا بدون این که منجر به موضع‌گیری مشترک اساسی شود به پایان رسید، لارنس نورمن، خبرنگار وال‌استریت‌ژورنال در بروکسل نقل قول مهمی از یک دیپلمات اروپایی داشت. نورمن نوشت پمپئو به بروکسل آمده بود تا اصطلاحاً یک عکس مشترک با مقامات اروپایی بگیرد و در کنار آن‌ها اعلام کند که اروپا و ایالات متحده در مقابل ایران ایستاده‌اند. او گفت پاسخ اروپا به این خواسته پمپئو منفی بوده است، «ما قبول نکردیم و به برنامه خودمان ادامه دادیم.» او در توییت دیگری نوشت یک دیپلمات دیگر بابت اعلام این موضوع از او گله کرده بود و او در جواب پرسیده بود: «اوکی، ولی درست بود.» و پاسخ مثبت گرفته بود. صحبت‌های نورمن در رسانه‌ها و کانال‌های ایرانی هم بسیار دیده شد.

این روایت اما تضاد قابل توجهی با اتفاقی دارد که در زمان اعلام دور جدید فشارها بر ایران رخ داد. مایک پمپئو در روزهای پر تنش تشدید تحریم‌ها در کنار جرمی هانت، وزیر امور خارجه دولت ترمزای قرار گرفت و در کنار و به همراه او، به محکوم کردن و تهدید ایران پرداخت.

ایسن اولین همکاری هانت با پمپئو در مقابل ایران هم نبود. زمانی که محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران از پیشنهادهای تبادل زندانیان با آمریکا گفت، جرمی هانت واکنش به ظریف و رد این ایده پیش‌دستی کرد. به شکلی که حتی واکنش وزارت خارجه ایران را هم به همراه داشت. سیدعباس موسوی سخنگوی وزارت خارجه گفت این پیشنهادهای مربوط به ایران و آمریکاست و ربطی به بریتانیا ندارد.

علت خودداری اتحادیه اروپا در مقابل پمپئو مشخص است. رسماً و علناً اتحادیه اروپا نشان داده که هر چند برای حفاظت از برجام و عمل به تعهداتش در مقابل ایران حاضر به ریسک جدی در مقابل آمریکا نیست، با رویکرد ایالات متحده همراه هم نیست و از طرفی قصد هم ندارد ایران را به اقدامات جدی‌تر مثل خروج از برجام یا توافقات دیگر تهدید کند. به همین دلیل است که اگر چه مقاومت‌هایش در مقابل فشارهای آمریکا بیشتر در حد اعلام موضع و وقت‌کنشی مانده اما هنوز در خواست‌های پمپئو و همکاری‌هایش با او برای همراهی نپذیرفته و در مقابل این صرف‌کشی رسمی نکرده است.

اسا این که چرا بریتانیا در این میان رفتار متفاوتی دارد، بیش از آنکه به ایران مربوط باشد، مربوط به رابطه بریتانیا و آمریکا یا به عبارت دقیق‌تر، چشم‌انداز پیش‌روی بریتانیاست. بریتانیا در مسیر خروج از اتحادیه اروپا قرار گرفته است. مسیر برگزیت، اگر چه ناتمام به نظر می‌رسد، مقصدی پایان رابطه فعلی با اروپاست. پس از عبور از این مرحله ظاهراً پایان‌ناپذیر، این کشور تازه باید وارد مذاکره تعیین سطح روابط تجاری با این اتحادیه شود. اتحادیه اروپا هم به دلیل تنش‌های این مدت مذاکرات و هم به دلیل اصل خروج این کشور، مایل نخواهد بود امتیاز چندانی به بریتانیا بدهد. تازه این در شرایطی است که اصلاً مذاکراتی برای انتقال در کار باشد. اگر کار به برگزیت بدون توافق برسد، اوضاع شدیدتر هم خواهد شد.

این‌ها همه مربوط به بحث‌های اقتصادی است. به لحاظ سیاسی بریتانیا یکی از دردرسه‌های بزرگ و صدمات جدی را به اتحادیه اروپا زده است و سپس از خروج نیز دیگر در میز تصمیم‌گیری اتحادیه جایگاه نخواهد داشت. تسلط احتمالی دولتی حامی برگزیت بر این کشور احتمالاً به این معنا خواهد بود که انگیزه چندانی برای تعامل بهتر با اروپا هم در کار نباشد.

بریتانیا به این ترتیب، بزرگ‌ترین شریک تجاری و سیاسی‌اش را از دست خواهد داد و باید به دنبال جایگزین کردن آن با یک یا چند کشور باشد. در این میان، بزرگ‌ترین گزینه پیش‌روی بریتانیا، آمریکاست که به‌خصوص در دوران ترامپ، از مدتها پیش مشغول تشویق این کشور به خروج سریع‌تر بوده و وعده‌های بسیاری درباره آینده روابط بعد از برگزیت هم داده است. خسارت خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به معنای واقعی کلمه جبران‌پذیر نیست، اما بریتانیا به هر حال ناچار است دنبال شرکای جدید یا حفظ و تقویت رابطه با شرکای قبلی باشد و آمریکا بهترین گزینه برای این کار است. از یک نگاه شاید تنها گزینه قابل توجه، بریتانیا را مجروح از برگزیت، احتمال چندانی قبالی در ارتباط با رقابتی آمریکا هم نداشته باشد، به‌خصوص در دوران رئیس‌جمهور نامت‌میت‌خواه و انتقام‌جویی مثل ترامپ که حتی برای مثال، دولت آلمان را در مقابله با فیسبک محتاط کرده است.

در سایه چنین وضعیتی، همراهی‌های سریع و تمام‌و‌کمال هانت با پمپئو واضح‌تر می‌شود. در تلاطم مذاکرات داخلی و خارجی برگزیت که عاقبت هیچ کدام معلوم نیست، در شرایطی که حتی کرسی نخست‌وزیر به تزلزل افتاده و احتمالات جایگاه آینده شخص جرمی هانت از نشستن بر جای ترمزای می تا خروج از دولت متغیر است، بریتانیا، حتی اگر با اروپا هم‌نظر هم باشد، توان، انگیزه و قدرت ریسک عدم همراهی با ایالات متحده را ندارد و بسیار بیشتر از اتحادیه اروپا خود را در معرض تهدید تصمیمات ترامپ می‌بیند. این همراهی، احتمالاً از زاویه کاهش استقلال تصمیم‌گیری‌های کلان این کشور در سیاست خارجی، تا جایی که به آمریکا مربوط است هم قابل بررسی است و تبعاتی در رابطه بین بریتانیا و آمریکا و نیز رابطه بریتانیا با دیگر کشورهای جهان، از چین و روسیه گرفته تا اعضای اتحادیه اروپا هم خواهد داشت؛ اما از نظر گاه ایرانی، شاید این وضعیت اولین و فعلاً بزرگ‌ترین پاسخ سؤالی چندساله درباره تأثیر برگزیت بر ایران باشد.



گفت‌وگوی وزیر خارجه آمریکا با همتایش در روسیه، نتیجه‌ای در جهت حل اختلافات اساسی بین دو کشور نداشت

دست خالی پمپئو

همدلی گروه جهان: گزارش‌ها نشان می‌دهد، دیدار وزیر امور خارجه ایالات متحده با همتای خود در روسیه، دستاوردی به همراه نداشت است. مایک پمپئو در سوشی با سرگنی لاوروف درباره موضوعات اختلافی بیسن دو دولت به گفت‌وگو پرداخت، اما این اختلافات پس از این گفت‌وگو همچنان برقرار ماندند. ونزوئلا، اوکراین، ایران و دخالت روسیه در انتخابات آمریکا از موضوعات صحبت‌های دو وزیر خارجه بود که بدون مفاهمه پایان یافت.

در کنفرانس خبری مشترک دو وزیر، لاوروف این گفت‌وگوها را خوب و مفید توصیف کرد و ابراز امیدواری کرد، این گفت‌وگوها منجر به بهبود فضای روابط بین دو کشور و حل مسائل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی شود. پمپئو نیز این گفت‌وگو را قدم خوبی در جهت هدف رئیس‌جمهور آمریکا در کنترل تسلیحاتی پیشرفته‌ها و توافقاتی کسب شده است. وزیر خارجه آمریکا اما تأکید کرد اختلافات جدی هنوز برقرار هستند.

به گزارش ایندپندنت، در مسئله ونزوئلا، پمپئو گفت دو کشور شرایط را «بسیار متفاوت» می‌بینند: «مادورو جز بدبختی برای مردم ونزوئلا نداشته

است.» وزیر خارجه آمریکا گفت داد، دولت ترامپ از دیگر موضوعات صحبت دو طرف بود که به واشنگتن می‌خواهد روسیه حمایت از رژیم نیکولاس مادورو رئیس‌جمهور مستقر را متوقف کند. به گزارش سی‌ان‌ان، لاوروف در جواب پمپئو سخنرانی کوتاهی برای خبرنگاران داشت، درباره سلبه آمریکا در اقدام به تغییر رژیم در سراسر جهان. پمپئو البته ادعا کرد، منافع روسیه در رژیم جدید و دمکراتیک ونزوئلا، باید در نظر گرفته شود. بحث درباره اوکراین، دیگر موضوع اختلاف اساسی دو کشور نیز به تفاهم منجر نشد. پمپئو گفت از روسیه خواسته است ملوانان اوکراینی را که روسیه در نوامبر ۲۰۱۸، پاییز ۹۷، بازداشت کرده، آزاد کند و به دنبال تعامل با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور جدید اوکراین برای حل «این‌بست» تقابل بین دو کشور باشد. او تأکید کرد همچنین اقدام روسیه برای انضمام کریمه به قلمرو خود را همچنان به رسمیت نمی‌شناسد. دولت روسیه تأکید دارد که این موضوع دیگر محل بحث نیست. طبق صحبت‌های وزیر خارجه، تحریم‌های آمریکا همچنان برجا خواهند ماند اما در صورتی اقدام روسیه به تعامل با رئیس‌جمهور جدید اوکراین، قابل تنظیم خواهند بود.

چشم‌انداز تقابل نظامی بین ایران و ایالات متحده از دیگر موضوعات صحبت دو طرف بود که به مفاهمه نرسید. دولت آمریکا در ادامه روندی که با خروج از برجام شروع کرد، در حال تشدید فشارها و نقلی‌ها با ایران است اما در همان روز دیدار دو وزیر خارجه، سخنگوی کرملین بار دیگر بر موضع روسیه در این باره تأکید کرد و تصمیم واشنگتن بر خروج از چارچوب توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ را غیرمسئولانه خواند. دیمیتری اسکوف گفت: «بوتین در این باره گفته است که چنین سیاستی را رد نمی‌کند. این کار منجر به این می‌شود که یک کشور در یک کنج تحت فشار قرار بگیرد و چنان که تاریخ معاصر به ما می‌گوید، چنین چیزی هیچ وقت نتیجه خوبی به دست نمی‌دهد.» همچنین موضوع دخالت روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا نیز همچنان محل اختلاف بین دو دولت است. اگر چه رئیس‌جمهور آمریکا مک‌را این بحث را فاقد اهمیت خوانده و از جدی‌گرفتن آن خودداری کرده است، نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و سیاست خارجی آمریکا و نیز کنگره، درباره اصل دخالت روسیه اتفاق نظر دارند. پمپئو در این باره گفت زمان آن رسیده است که روسیه نشان دهد «دوران چنین اقداماتی گذشته است.» لاوروف اما

قالب

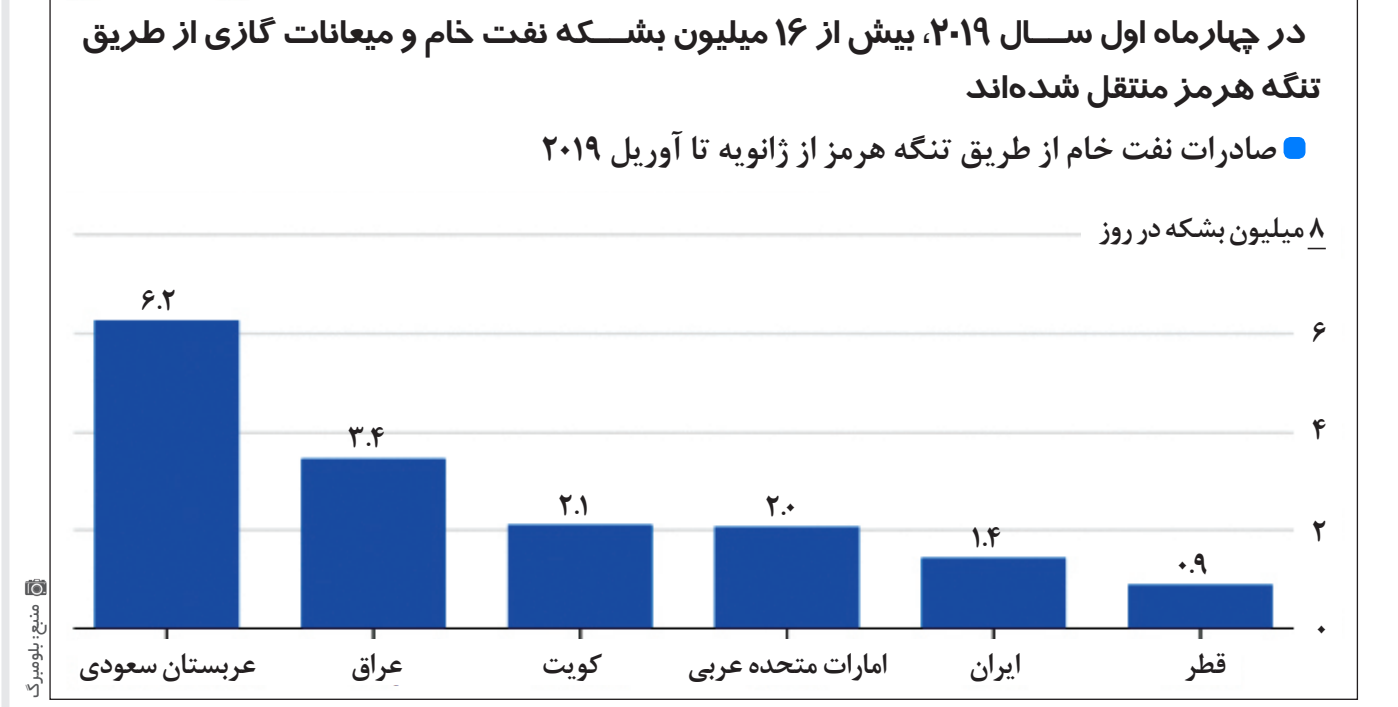
چقدر نفت از تنگه هرمز می‌گذرد؟

از طرفی با وجود تحریم‌های نفتی ایران توسط آمریکا، عربستان بناسبت متولی تأمین نفت جایگزین شود و اخلا در این روند دست‌اندازی جدی در این روند خواهد بود. از طرف دیگر، تنش‌های جدی قرار داده است.

همدلی گروه جهان: بلومبرگ در گزارشی که درباره تنش‌های نفتی اخیر در منطقه داشته به میزان نفتی پرداخته که از هرمز منتقل می‌شود، تمام نفت ایران، بحرین، قطر و کویت، ۹۰ درصد از نفت عربستان سعودی و عراق و ۷۵ درصد از نفت امارات متحده عربی از این منطقه می‌گذرند.

طبق این گزارش، بیشتر این کشورها راه جایگزینی برای صادرات نفت ندارند. امارات متحده عربی روی کاغذ می‌تواند بخشی از نفت خام خود را از طریق فجیره منتقل کند اما اتفاقات اخیر نشان می‌دهد آن مسیر هم چندان تفاوتی با هرمز ندارد. بیشتر نفت این کشور در میدان‌های دریایی خلیج فارس استخراج می‌شود و باید از این تنگه بگذرد. عربستان نیز خط انتقالی از طریق دریای سرخ دارد اما حداکثر می‌تواند ۲.۵ میلیون بشکه از بار ۴.۲ بشکه‌های هرمز را نقل کند.

بلومبرگ البته در این گزارش می‌نویسد اهمیت این تنگه برای همه طرفین، خود می‌تواند عاملی برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها شود. جولین لی نویسنده این گزارش اشاره می‌کند که حتی در دوران موسوم به «جنگ نفت‌کش‌ها» در جنگ ایران و عراق که در دهه ۸۰ میلادی و دهه ۶۰ شمسی رخ داد نیز کشتی‌های بسیاری همچنان به انتقال نفت از این منطقه ادامه می‌دادند. از نسوی دیگر امسا در این گزارش آمده، در معرض خطر قرار گرفتن این منطقه اثری جدی روی بازار نفت خواهد داشت.



نگاه دیگران

یادداشت مشترک دو کارشناس از دو کشور «زمان گفت‌وگوی ایران عربستان فرا رسیده است»

ایسنا | رئیس «مرکز مطالعات خلیج فارس» عربستان و سخنگوی پیشین هسته‌های کشورمان و متخصص امور خاورمیانه دانشگاه پرینستون در مقاله‌ای مشترک در نیویورک تایمز بر لزوم وجود صلب و پایدار در منطقه تأکید کردند.



به گزارش ایسنا متن مقاله سید حسین موسویان و عبدالعزیز صفر به شرح زیر است:

ما به عنوان دو شهروند و کهنه سرباز سیاست خارجی دو کشور ایران و عربستان این مقاله را می‌نویسیم، دو کشوری که اکثر آمریکایی‌ها آنها را درگیر جنگ معنوی فرض می‌کنند. در حقیقت بعد از چند دهه تقابل نیابتی و روابط منجمد بین دو کشور ما معتقدیم زمان استقرار یک صلح پایدار در منطقه فرا رسیده است.

هیچکدام از ما آرمان‌گرای ساده اندیش نیستیم. ما هر دو واقع‌گرایانی هستیم که به یکدیگر اعتماد نداریم و در سطح دولت‌هایمان نیز این بی‌اعتمادی متقابل وجود دارد. در عین حال ما شاهد عواقب مخرب بحران‌های جاری در منطقه مثل سوریه، یمن، لبنان، بحرین و عراق هستیم که کشورهایمان با هم در رقابت هستند. با وجودی که ما هر دو طرف مقابل را عامل این وضعیت می‌دانیم اما هر دو نیز توافق داریم که بحران‌های جاری در منطقه به‌زمنه و موجب بی‌اعتمادی مردم نشده ضمن اینکه باعث به هدر رفتن غیر قابل محاسبه منابع و جان باختن بی‌شمار انسان‌هایی شده که باید صرف ساختن خاورمیانه می‌شد و نه نابودی آن.

لذا زمان گفتگو حالاست زیرا که وضعیت بحران‌های تاریخی منطقه به نقطه‌ای رسیده که نیازمند و مستعد دیپلماسی است.

اول در عراق، دو کشور ایران و عربستان سعودی دولت جدید در بغداد را در آغوش گرفته‌اند، دولتی که توسط یک رئیس‌جمهور و یک نخست‌وزیر عمل‌گرا هدایت می‌شود و روابط خوبی با هر دو کشور ما دارد. این یک گشایش مهمی است که باید از آن استفاده کرد.

دوم اینکه با کاهش خشونت و شکست داعش، جنگ در سوریه به مرحله پایان نزدیک می‌شود. هر دو کشور ما معتقدند که تمامیت ارضی سوریه باید حفظ شود. ما دعوت می‌کنیم که به اصل عدم مداخله احترام گذاشته شود و همه بپذیرند که این حق ملت سوریه است که باید در مورد آینده خود تصمیم بگیرد.

سوم در مورد یمن هرچند ما دو نفر در مورد علل و ریشه بحران با هم اختلاف نظر داریم اما توافق داریم که این بحران موجب بروز یک فاجعه انسانی شده و باید ظرف چند ماه آینده در چهارچوب روند سازمان ملل به آن خاتمه داد.

در لبنان نیز دولت جدید روی کار آمده و این ملت لبنان است که باید در مورد مسائل کشورشان تصمیم بگیرند. و نهایتاً هم در مورد بحرین ما دو نفر طرفدار حفظ حاکمیت و تمامیت و دموکراسی و ثبات براساس تصمیم و رای مردم این کشور هستیم.

نهایت اینکه با برقراری ثبات نسبی در این پنج کشوری که سال‌ها درگیر ستیز و بیچارگی بوده‌اند، می‌توان استقرار صلح پایدار در منطقه را آغاز کرد. با وجودی که هر یک از ما طرف مقابل را در مورد بی‌ثباتی در منطقه سرزنش می‌کنیم اما با توجه به ماه‌ها گفتگوهای دشوار، به این نتیجه رسیدیم که شرایط برای گفتگوی مستقیم از طریق کانال‌های باز بیسن دو دولت و ملت فراهم است. لازم نیست برای شروع گفتگو، در مورد همه چیز از قبل توافق کرده باشیم. دشوارترین بخش کار همان برداشتن اولین قدم برای گفتگوی مستقیم است تا بتوان در برخی از موضوعات به توافق رسید.

شهروندان دو کشور باید برای ما و جهان در اولویت باشند. ایران و عربستان مشترکاً جمعیتی بالغ بر ۱۱۵ میلیون نفر دارند که حدود یک سوم آن زیر ۲۵ سال است. چه بخواهیم یا نخواهیم، آینده نسل جوان ما بهم پیوسته است. صلح پایدار در منطقه ایجاب می‌کند که تهران و ریاض روابط دوجانبه و همکاری‌های منطقه‌ای حسنه داشته باشند. ایران و عربستان اختلافات مهمی دارند اما در موارد مهمی هم منافع مشترک دارند همچون امنیت انرژی، عدم اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و ثبات در خاورمیانه. ما امیدواریم که بجای گسترش اختلافات، مقامات دو کشور ما بنای دوستی مشترک دو ملت ایران و عربستان را پایه گذاری کنند، دو ملتی که ستون‌های مهم جهان اسلام هستند.